



بابا آب داد دیگه شعار ما نیست

آهنگساز: احمدعلی راغب	خواننده: گروه کر
محل ضبط و اجرا: استودیوی هشت رادیو	شاعر: مجتبی کاشانی (بازنویس)

سرود انقلابی «بابا آب داد دیگه شعار ما نیست» توسط تعدادی از دانش آموزان تهرانی در مسجدی در محله خاوران همخوانی شد و مورد پسند آهنگساز برجسته قرار گرفت. زنده یاد احمدعلی راغب، از آهنگسازان و پیشکسوتان موسیقی انقلاب، درباره جاودان شدن این سرود گفته است: «مسجدی در خیابان خاوران کمیته‌ای تشکیل داده بود که اعضایش برای انقلاب کارهای هنری انجام می‌دادند. مثلاً پوستر طراحی می‌کردند، نویسنده، خطاط و گروه سرود هم داشتند. بعد از خواندن نماز، شهید مجید حداد عادل گفت کمی بمانیم، الان گروه موسیقی‌شان می‌آید. فضای وسط از جمعیت نمازگزاران خالی شد و همه دور مسجد نشستند

همانجایی که نمازگزاران ایستاده بودند، حدود ۸۰-۷۰ نفر از دانش آموزان مدارس جمع شدند. آنهایی که صدایشان

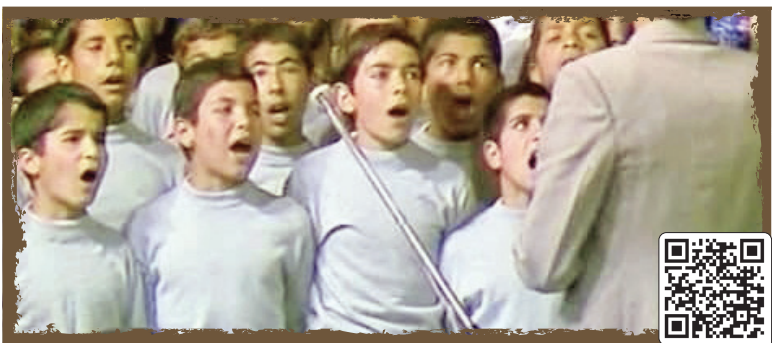
ای عاشقان ای عاشقان پیمانها پر خون کنید



آهنگساز: حسین علیزاده	خواننده: بیزن کامکار
محل ضبط و اجرا: استودیو چاووش	شاعر: هوشنگ ابتهاج

حسین علیزاده یکی دیگر از آهنگسازان موسیقی سنتی بود که در فاصله کوتاه چند روز مانده به پیروزی انقلاب و ورود امام خمینی (ره) به تهران وارد فعالیت انقلابی شد و قطعه «حصار» را در فاصله یک سال مانده به پیروزی انقلاب ساخت. او در شرایطی نت‌ها را کنار هم قرار می‌داد و دستگاه‌های موسیقی سنتی را دوره می‌کرد که همسرش به دلیل حضور در بطن فعالیت‌های انقلابی و مبارزه با شاه توسط ساواک دستگیر شده بود و در زندان به سر می‌برد. علیزاده حصار را برای دلداری دادن به همسرش و همراهی با همه انقلابیونی که ساواک آنها را به بند کشیده بود ساخت. وقتی حصار به‌طور کاملاً اتفاقی از رادیو پخش شد و زندانیان آن را شنیدند، کنترل زندان‌ها برای رژیم پهلوی سخت‌تر شد و کار به جایی رسید که بسیاری از زندانیان سیاسی برای داشتن رادیو دست به اعتصاب غذای گسترده زدند. این قطعه در آپخش ساخته شده که بخش نخست آن ریتمی حماسی دارد و بخش دوم ریتمی سنگین و اندوهگین که از تعزیه و نوحه‌خوانی الهام گرفته است. بخش دوم قطعه حصار را بیزن کامکار در دستگاه چهارگاه و روی شعری از هوشنگ ابتهاج خوانده است. علیزاده این قطعه را هم حین سربازی و در پادگان فرح آباد تهران ساخت و بعدها در استودیوی گروه چاووش آن را ضبط کرد. حسین علیزاده بعد از تجربه موفق ساخت قطعه حصار یک آهنگ انقلابی بی‌کلام «سواران دشت امید» را ساخت که تنها آهنگ بی‌کلام انقلابی به حساب می‌آید. سواران دشت امید، حد فاصل سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷ و در روزهایی که حسین علیزاده دوران سربازی را سپری می‌کرد ساخته شد. علیزاده در خاطراتش می‌گوید قصدش از ساخت یک سرود انقلابی بی‌کلام این بوده که موسیقی را با بیان انقلابی و رزمی به مردم نشان دهد.

ای عاشقان ای عاشقان پیمانها پر خون کنید
وز خون دل چون لاله‌ها رخساره‌ها گلگون کنید
آمد یکی آتش سوار بیرون جهید از این حصار



خودش شعر را سروده بود، متن را خواند و من نوشتم. بعداً آن قسمت شعر را زیاد کردیم و رویش آهنگ گذاشتیم. آنها به حالت شعار گونه می‌خواندند. مجتبی کاشانی این شعر را همانطور که من می‌خواستم بازنویسی کرد که چهار تراک ملودی داشت. بالاخره کار به صورت همان آهنگ معروف «بابا خون داد» در آمد؛ فکر می‌کنم اجرایش اردیبهشت ۱۳۵۹ بود، چون تا آنها را انتخاب کنم و ملودی بنویسم و گروه آماده شود، کمی طول کشید.»

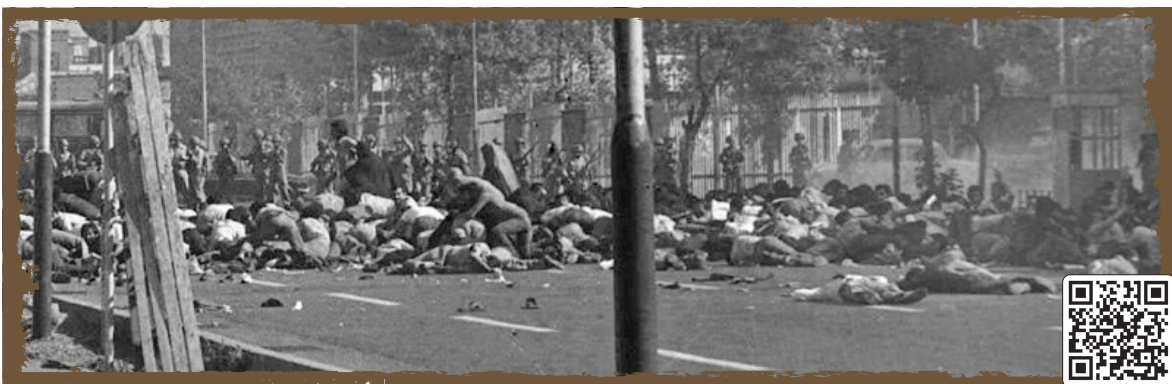
بابا آب داد دیگه شعار ما نیست
بابا خون داد، بابا خون داد
بابا نون داد دیگه شعار ما نیست
بابا جون داد، بابا جون داد
تو کتاب‌ها دیگه نمی‌خوانیم بابا، بابا نون داد.



خوب بود، در این گروه جمع شده بودند. خانمی هم سرپرست کل آنها بود. آن شب در همان صحن مسجد برای ما چند سرود را که از قبل آماده کرده بودند، خواندند. متوجه شدم هماهنگی دارند. حدود سنی‌شان از کلاس دوم ابتدایی تا سوم راهنمایی بود. نیمی دختر و نیمی هم پسر بودند. موقع اجرا، پسرها جلو و دختر خانم‌ها کمی عقب‌تر می‌ایستادند.

در میان سرودهایی که خواندند، یکی از سرودها سوزه بسیار نابی داشت و خیلی زیبا بود. اما شعرش به لحاظ ادبی چند غلط داشت. ملودی این آثار را همان خانم می‌ساخت. بسیاری‌شان فرزند شهید بودند. دختر و پسر با هم گریه می‌کردند و می‌خواندند. مجید حداد از مسئولان خواست تا به دفتر بیایند و گروه کر را با حضور آنها تشکیل بدهیم. از میان آنها تعدادی را انتخاب کردیم. روز بعد ساعت ۴ بعدازظهر به استودیوی هشت رادیو آمدند. گفتم شما هر چه را قبلاً می‌خواندید، اینجا هم بخوانید. حدود یک ساعت طول کشید تا صداها ایشان را جابه‌جا کنم. بعضی‌شان هم بودند که نه تنها صدای خوبی نداشتند، بلکه باعث بد شنیده شدن صدای دیگران می‌شدند. گفتم شما باید آهنگ دیگری را بخوانید. برای شما سرود دیگری می‌سازم. فعلاً این گروهی که اینجا هستند باید این سرودها را بخوانند.

جالب آنکه بعد از تمام شدن کار متوجه شدم که بسیاری از آنها با هم فامیل و خواهر و برادر هستند. مسئول گروه که



ژاله خون شد

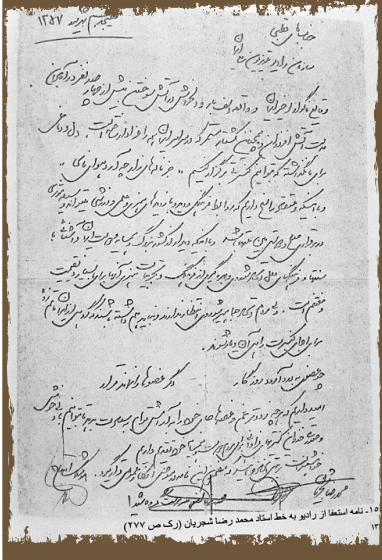
آهنگساز: حسین علیزاده	خواننده: گروه کر
محل ضبط و اجرا: بلوار کشاورز	شاعر: سیاوش کسرابی

۱۷ شهریور ۱۳۵۷ میدان ژاله صحنه خونین مبارزات انقلابیون بود و جمعی از مردم در این حرکت انقلابی شهید شدند. در آن دوران حسین علیزاده، ملودی و آهنگ «ژاله در خون شد» را تنظیم کرد و ساخت. اعضای گروه «شیدا» به سرپرستی محمدرضا لطفی و بادستخط محمدرضا شجریان، به امضای تمامی اعضای گروه، در اعتراض به این اتفاق از رادیو و تلویزیون ملی استعفا کردند. در این مدت، گروه تازه‌تاسیس

ژاله بر سنگ افتاد چون شد / ژاله خون شد
خون چه شد / خون چه شد / خون جنون شد
ژاله خون کن / خون جنون کن
سلطنت زین جنون و ازگون کن / ژاله بر گل نشان، گلپران کن
بر شهیدان زمین گلستان کن / نام گنم‌ها جاودان کن
تا به صبح آید این شب تیره / در شب تیره آتش فشان کن

«عارف» هم به سرپرستی حسین علیزاده زیر این استغفانامه را امضا کردند. استعفا گروه عارف و شهید از رادیو که با اوج گیری انقلاب همراه شد، آغازی بر حرکت بزرگی بود که به کانون چاووش تبدیل شد.

قرار نبود حرکت بزرگشان در استعفا دسته‌جمعی خلاصه شود؛ تصمیم داشتند به جریان به‌راه افتاده مردم بی‌بیوندد. همین بهانه‌ای برای گرد هم آمدن اعضای گروه شیدا و بعد اعضای گروه عارف زیر یک سقف بود؛ سقفی که به گفته مجید درخشانی، زیر زمین خانه محمدرضا لطفی، در بلوار کشاورز بود؛ همان زیرزمین معروفی که زادگاه تصنیف‌های انقلابی معروفی چون «برادر غرق خون است» و «آزادی» و البته «ژاله خون شد» بود. اجرایی که یادآور جمعه سیاه ۱۷ شهریور و کشتار حدود ۹۰ نفر بود، با شعری از سیاوش



کسرابی. این سرود به صورت مخفی ضبط و پخش شد، برای همین تک‌خوان نداشت تا صدای هیچ‌یک از خواننده‌ها قابل شناسایی نباشد.